

نقش مذهب شیعه بر شکل گیری هویت سیاسی-اجتماعی زن ایرانی در دوره آل بویه

پروین معصوم پور عسکری

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلام دانشگاه آزاد بافت

@gmail.com۹۸ parvin.masompor

ایرج جلالی

نویسنده مسئول. استادیار، گروه تاریخ تمدن ملل اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

jalali_i@yahoo.com

سیدضیاءالدین عمادی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

zia.emadi@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۳ - صفحه ۳۴۷-۳۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۱

چکیده

این مقاله سعی دارد به بررسی نقش مذهب شیعه بر شکل گیری هویت سیاسی-اجتماعی زن ایرانی در دوره آل بویه بپردازد روش تحقیق در این پژوهش تاریخی و شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات توصیفی-تحلیلی است. نتایج این پژوهش نشان داد که، مذهب تشیع بر تمامی ابعاد هویتی سیاسی-اجتماعی زنان ایران در دوره آل بویه نقش داشته است. در دوره آل بویه اندیشه های سیاسی شیعی بر زنان ایران تاثیرات زیادی بر جای گذاشت. از جمله اندیشه تلفیق الگوهای ایرانی-اسلامی با گرایش شیعی، مرجعیت فقها شیعی، اندیشه امام غائب. در این دوره به دنبال پیدایش نهاد نقابت علویان زنان ایرانی برای اولین بار به مشاهده و زیارت، مراقد متبرکه روی آوردند. در عرصه اجتماعی آداب و آیین های شیعی مانند نیمه شعبان، عزاداری دهه محرم و عاشورا، رسم پیاده روی به کربلا، رسم گفتن حلی خیرالعمل در روز عاشورا، رسم زیارت بارگاه ائمه از مصادیق نقش مذهب شیعه بر شکل گیری هویت اجتماعی زن ایرانی در دوره آل بویه است.

واژگان کلیدی: مذهب شیعه، هویت، زن ایرانی، آل بویه.

دولت شیعی مذهب آل بویه از دولتهایی بود که رکن اساسی آن را دین اسلام و مذهب تشیع تشکیل می داد. هر چند سرتاسر ایران تا سال ۸۹ هجری به تصرف مسلمانان درآمد، ولی تا قبول اسلام از طرف همه ایرانیان سالیان زیادی به طول انجامید؛ زیرا پرداخت جزیه، آزادی اعمال دینی ساکنان زرتشتی، مسیحی و یهودی ایران زمین را تضمین می کرد. در زمان خلفای اموی (۴۱- ۱۳۲ هـ ق) که اسلام به کندی و سستی در ایران رواج یافت و حتی در قرن چهارم هجری، هنوز عده کثیری زرتشتی در ایران می زیستند. (حجازی، ۱۳۷۶: ص ۱۲) در صدر اسلام، که هنوز اعراب از باده تنعم و پیروزی سرمست نشده بودند، حتی گرد کعبه، زن و مرد با هم ادای حج می کردند و در انجام این کار، عیبی نمی دیدند، اما همین که زندگی تجملی میان عرب ها معمول شد و مردان کنیزان فراوان به خانه آوردند، در حقیقت به حیثت و مقام زن در جامعه لطمه ای جبران ناپذیر وارد آوردند و عملاً فساد و خیانت را رواج دادند (رمضان نرگسی، ۱۳۸۷: ص ۶۶)

برخی نویسندگان نظیر جرجی زیدان تغییر وضع و موقعیت اجتماعی زنان را در آن روزگار معلول کاهش عفت و غیرت و زیاد شدن کنیزان و غلامان و باده پیمایی ها و عیاشی ها و هرزگی مفرط بعضی از خلفا دانسته است. (زیدان، ۱۳۳۳: ص ۹۲۷) برخی بزرگان و فرمانروایان مانند ابن طولون، تصویر محبوبه های خویش را بر دیوار تالارهای پذیرایی ترسیم می نمودند. (آزاد، ۱۳۶۴: ص ۱۳۵)

البته فرمانروایان خردمند در ابتدا با این گونه اعمال مخالف بودند و تا می توانستند، ممانعت می کردند، اما همین که از مقاومت عاجز ماندند، مالیاتی بر اعمال منافی عفت وضع کرده، آن را مانند کسب های دیگر آزاد گذاردند. و زن آن چنان فعالیت اجتماعی و سیاسی نداشت و بیش تر به کارهای منزل و نگهداری فرزندان می پرداخت. هر چند زنان

عالمه را، که به علم و دانش و قدرت و شجاعت شهرتی داشتند، نمی‌توان انکار کرد، اما این امر عمومیت نداشت (رمضان نرگسی، ۱۳۸۷: ص ۶۶)

قرن چهارم هـ ق دوره گسترش تشیع در جهان اسلام است. این گسترش معلول عوامل گوناگون است که تشکیل چهار دولت شیعی با فرقه‌های مختلف فاطمیان در مصر، آل بویه در ایران و عراق، دولت حمدانی‌ها در شامات و دولت زیدی‌ها در یمن از جمله آن‌ها است. به اعتراف برخی مورخان در زمان حکومت آل بویه در ایران و عراق شعارهای شیعی آشکارا رواج یافت و می‌توان گفت که در ایران مرحله بسیار مهمی برای مذهب تشیع به وجود آمد که تا آن زمان سابقه نداشت. با تشکیل دولت آل بویه و تسلط آنان بر خلیفه و مقرر خلافت، امنیت نسبی برای شیعیان در سرزمین‌های تحت حاکمیت آل بویه به وجود آمد و آنان با استفاده از این فرصت در صدد ترویج شیعه برآمدند. (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ج ۱: ص ۲۴۳)

خدمات اجتماعی آل بویه افزون بر زنده کردن برخی شعائر شیعی، عبارتند از: خدمات امنیتی. خدمات عمرانی و رفاهی، مدیریت تنش‌های مذهبی و خدمات علمی، فرهنگی در جهان اسلام، بستر مناسبی برای رشد و توسعه‌ی فرهنگ و دانش در این عصر پدید آورده بود که آل بویه در آن، نقش چشمگیری داشته‌اند. در این دوره زنان نیز از این خدمات اجتماعی بهره‌مند گشتند. بگونه‌ای که جایگاه آنان در عرصه‌های خدمات اجتماعی و امدادی مانند وقف و صدقه، و فعالیت‌های سیاسی، مانند حکومت و مشاوره با بانوان که مربوط به زنان سرزمین‌های تحت حاکمیت آل بویه افزون گردید. (اصلانی، ۱۳۷۸: ص ۵۶) در منابع توضیحات و شرح‌های پراکنده‌ای درباره‌ی تاثیر مذهب شیعه بر هویت زن ایرانی شده است اما این موضوع تاکنون مورد بررسی جدی و جامع قرار نگرفته است. در این مقاله تلاش شده است تا با استناد به منابع و مآخذ نقش مذهب تشیع بر شکل‌گیری هویت زنان شرح داده شود

پیشینه تحقیق

در مراجعه به کتب و مقالات متعدد، اثری که اختصاصاً به تاثیر مذهب شیعه بر هویت سیاسی-اجتماعی زن ایرانی پرداخته باشد، یافت نشد و بدین روی، برای رفع این نقیصه، در این مقاله تلاش شده است تا تاثیر مذهب شیعه بر هویت سیاسی-اجتماعی زن ایرانی با تاکید آل بویه شرح داده شود.

مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی، در مقاله شناخت هویت زن ایرانی در گستره تاریخ (۱۳۹۲). هدف خود را کاوش، یافتن هویت راستین و در سایه مانده ی زن ایرانی دانستند که در چارچوب (مقتضیات) و در محدوده ی (قراردادهای اجتماعی) نقش پذیرفته است.

بنفشه حجازی در پژوهشی به بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی (۱۳۹۴) پرداختند. در این پژوهش چهره فرهنگی، خانوادگی، جنسی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان در دوره مذکور مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است.

رضا رمضان نرگسی در مقاله تاثیر مکتب تشیع بر زن ایرانی (۱۳۸۲) مقاله تلاش کرده است تا نقش مکتب تشیع بر زنان ایرانی شرح دهد. برای انجام این کار، ابتدا به اجمال وضع ایران و زنان ایران پیش از رسمیت یافتن مذهب تشیع پرداخته است و سپس به تغییراتی که در نتیجه رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و در وضعیت زنان ایرانی روی داده است، به اختصار پرداخته است.

رضا رمضان نرگسی، در مقاله فرهنگ تشیع و نقش آن در تجدد بومی ایران، (۱۳۸۷) نشان داد که علما توانستند با بسط فرهنگ تشیع، نوعی بیداری خاص در زنان ایران به وجود آورند و برای بسط این فرهنگ، از عنصر سیاست و «حکومت» به خوبی استفاده کردند.

هوشنگ خسرو بیگی، در مقاله نقش آل بویه در تعمیق فرهنگ شیعی، (۱۳۹۲) یکی از مهمترین پیامدهای تشکیل حکومت آل بویه، را ترویج و تعمیق فرهنگ تشیع بر بخشهای وسیعی از سرزمین‌های مرکزی و غربی حوزه خلافت عباسی مخصوصاً زنان دانست. پروین ترکمنی آذر در مقاله حاکمان زن شیعه مذهب در تاریخ ایران (سیده خاتون، ترکان خاتون، جانبیگم خاتون) (۱۳۸۵)، نشان داد زنان مسلمان و شیعه مذهب تاریخ ایران با الهام از آموزه‌های مذهبی و فرهنگی خود، همواره در عرصه سیاست و حکومت تأثیرگذار بوده‌اند. نقش سیاسی این بانوان در زنانی همچون سیده خاتون همسر فخرالدوله دیلمی بسیار شاخص است.

تعریف و مفهوم هویت

هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود. هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی جامعه شناسی، روانی، فرهنگ، فلسفه، ارگانیک و تاریخ همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد (واژه‌های مصوب فرهنگستان، ۱۳۸۸: ص ۵۶۷)

در فرهنگ معین آمده است: "هویت یعنی آنچه که موجب شناسایی شخص باشد" (معین، ۱۳۹۲: ص ۷۶۵). در فرهنگ عمید هویت بدین گونه تعریف شده است: "هویت یعنی حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات هستی، وجود و منسوب به «هو» می باشد. آن احساسی که در درون فرد نسبت به خویشتن وجود داشته و او را از دیگران متمایز و منفک کرده و با

وجود تغییرات خارجی و محیطی همچنان ثابت می‌ماند، احساس هویت نامیده می‌شود
" (عمید، ۱۳۶۲: ص ۳۴۵). و دهخدا نیز هویت را عبارت از تشخیص دانسته، می‌گوید

همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است. (دهخدا، ۱۳۷۰: ص ۹۸)

طبق یک تعریف ساده، هویت به معنای تشخیص است. فرد باید بتواند دانش و
برداشت‌هایی را که از گذشته خود کسب کرده در یک مجموعه و قالب قرار دهد، به
طوری که شخصیتی واحد و منسجم را در خود بیابد و نسبت به گذشته دید روشنی کسب
کند. جیمز هویت شخصی را مفهومی می‌داند که فرد از خود به عنوان یک شخص دارد و
این مفهوم ناشی از تجربه تداوم و تمایز است، یعنی خود در طی زمان یکسان باقی می
ماند و در عین حال از دیگران متمایز است (اکبرزاده، ۱۳۷۶: ص ۷۶)

وندکر (۱۹۹۲) معتقد است که خود آن زمینه‌ای از دانش است که افراد در مورد آنچه
در دنیا به آن عمل و در پاسخ به پرسش «من که هستم» ساخته‌اند مورفی در تعریف
مفهوم خود می‌گوید: "خود عبارت است از احساسات و ادراکاتی که هر کسی از کل
خویشتن دارد" تفاوتی که خود و خویشتن با هویت دارند در این است که خود و
خویشتن تنها در مورد فردیت و شخص مصداق و کاربرد پیدا می‌کند ولی هویت را می
توان در قالب هویت اجتماعی، هویت جنسی، هویت قومی، هویت دینی و ... به کار
گرفت. (تاجیک، ۱۳۸۴: ص ۹۸)

هویت مذهبی:

هویت مذهبی نوع خاصی از شکل‌گیری هویت است. مخصوصاً هویت مذهبی حس
عضویت گروهی به مذهب و اهمیت این عضویت گروهی در ارتباط با خودپنداره است.
هویت مذهبی ضرورتاً معادل با مذهبی بودن یا دینداری نیست. اگرچه این سه واژه وجوه
اشتراک دارند، اما مذهبی بودن و دینداری اشاره به ارزش و اهمیت عضویت گروه مذهبی

و همین‌طور مشارکت در رخدادهای مذهبی دارد اما هویت مذهبی به طور خاص دلالت بر عضویت گروه مذهبی فارغ از فعالیت یا مشارکت مذهبی دارد همچنین اگرچه مذهب، نهاد مبتنی بر ایمان و دینداری میزان عمل به آیین‌های آن نهاد مذهبی است اما «هویت مذهبی» به این راجع است که افراد خود را چگونه به منزله یک فرد مذهبی می‌فهمند، فردی که ارزش‌ها و باورهای مذهبی و معنوی درون اجتماع ایمانی را می‌پذیرد. هویت مذهبی یک هویت جمعی است که شامل عضویت در گروه‌های مذهبی، پذیرش نظام‌های اعتقادی آن، تأیید اهمیت ارزش‌های مذهبی، تعهد به گروه‌های مذهبی و کردارهای مرتبط با مذهب است. این تعریف از هویت مذهبی آن را از هویت معنوی که بخشی از هویت شخصی است متمایز می‌کند. (برزیان و همتی، ۱۳۹۴: ص ۴۵)

اریکسون اولین کسی بود که هویت مذهبی را به عنوان هویت من مطرح کرد. هویت من تعریف فرد از خود می‌باشد و شامل مهم‌ترین مسائلی است که اساساً کیستی ما را مشخص می‌کند. اریکسون (به نقل از کینگ، ۲۰۰۳) به پتانسیل مذهب در رشد هویت پی برد. وی نشان داد که مذهب جنبه مهمی از ماتریس اجتماعی تاریخی است که هویت در آن شکل می‌گیرد. وی خاطر نشان می‌کند که مذهب، قدیمی‌ترین و دیرپاترین نهادی است که پابندی، تعهد و وفاداری به ایدئولوژی را تشویق می‌کند و بر اساس آن، بحران شکل‌گیری هویت به طور موفقیت‌آمیزی حل می‌شود. از نظر وی، مذهب نه تنها جهان‌بینی متعالی و فرارونده‌ای را به دست می‌دهد که پایه‌های باورها و هنجارهای رفتاری را در اصول ایدئولوژیکی پی‌ریزی می‌کند، بلکه سنت مذهبی در اجتماع مومنان به این هنجارهای ایدئولوژیکی تجسم می‌بخشد. باورهای مذهبی، ارزش‌ها و اخلاقیات مذهبی جوانان را قادر می‌سازد جهان و جایگاه‌شان را در آن درک کنند. این ایدئولوژی‌ها به رخدادهای و تجربیات معنا و مفهوم می‌دهد. (همان: ۴۶)

نقش دین در هویت دینی-مذهبی

مذهب اساساً منابع شناختی، ایدئولوژیکی، جامعه شناختی و معنوی را برای هویت به‌دست می‌دهد. مذهب از گذشته تاکنون عامل به وجود آورنده هویت مشخص برای معتقدان خود و تمایز میان آنها بوده که اعتقادی به آن نداشته‌اند. یعنی هویت انسان‌ها با مذهب و دین آنها شناخته می‌شد. یهودی، مسیحی و مسلمان بودن، هویت فرهنگی انسان‌های مختلف را به نمایش می‌گذاشت. به این ترتیب دین و مذهب کارکردهای اجتماعی مختلفی از قبیل اجتماعی کردن اعضای جامعه، کاهش کشمکش، تحکیم ارزش‌های مشترک، یکپارچه‌سازی جامعه و حفظ ثبات اجتماعی، تنظیم منابع و تقویت نظارت اجتماعی را برعهده داشته‌اند (اشرفی، ۱۳۷۷:ص ۹).

ادیان جهان به نیازهای مختلف فرد، نظیر حس ثبات در عرصه‌های اجتماعی، جغرافیایی، هستی‌شناختی، زمانی و متافیزیکی پاسخ می‌دهند. نظام معانی مذهبی طیف وسیعی از صورت‌های ممکن روابط فرد با خود، دیگران، جهان انسانی، هستی، خدا یا هر آنچه انسان آن را واقعیت یا حقیقت می‌نامد را تبیین می‌کند. هیچ منبع فرهنگی معنابخش دیگری به لحاظ تاریخی نتوانسته است با دین در پاسخ به این نیاز انسانی یعنی هویت‌سازی رقابت کند. در نتیجه دین عمدتاً در مرکز هویت فردی و گروهی قرار دارد. ادیان احساس پیش‌بینی‌پذیری نسبت به هستی و حس تداومی را که فرد نیاز دارد تا به تعادل و ثبات روانی برسد، در اختیار فرد قرار می‌دهند. علاوه بر این اجتماعات مذهبی و نظام‌های معانی، منابعی برای حس علاقه (تعلق به دیگری) و تأیید (به عنوان پایه‌ای برای عزت نفس) فرد هستند و فعلیت بخشی و حتی تعالی بخشی خود را تشویق می‌کنند. در حالی که عضویت در اغلب گروه‌ها به رشد خود اجتماعی فرد کمک می‌کند، به طور کلی گروه‌های دینی به ارضای هر دو نیاز هویتی فرد یعنی تحقق خود فردی و اجتماعی یاری می‌رسانند. دین علاوه بر این‌که از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، موجب دلگرمی، سرزندگی، نشاط و اشتیاق عمومی است (حاجیان،

۱۳۸۴:ص ۹۰). گرچه مذهب در پاره‌ایی از بخش‌های جهان، اهمیت خود را به منزله عامل مهم همبستگی دست داده اما از آنجا که به تنهایی در ایجاد فرهنگ، آداب و رسوم و سنن بسیاری از کشورها تأثیر شگرف دارد، هنوز عامل مهم ملیت محسوب می‌شود (عالم، ۱۳۷۷: ص ۱۵)

تاریخ سیاسی آل بویه

با گذشت بیش از سه قرن از سقوط حکومت ساسانیان در ایران، خلافت اموی و سپس عباسی، با تسلط بر امور سیاسی، قدرت خود را بر ایرانیان تحمیل می‌کردند و تسنن، مذهب غالب دستگاه خلافت و بالطبع مورد پذیرش حاکمان و کارگزاران دستگاه خلافت در قلمرو حکومت اسلامی، از جمله ایران بود. (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۵:ص ۲۵)

حکومت آل بویه نقطه عطف سیاسی در روابط ایران و بغداد و آغازی بر ورود خلفای عباسی به دوره ضعف سیاسی و از دست دادن اقتدار معنوی و دنیوی بود.. (مجهول المؤلف، ۱۳۱۸:ص ۳۷۹)

بیرونی، رویداد تسلط آل بویه بر بغداد را تغییری بنیادی در امر خلافت میدانند و می‌نویسد: «سلطنت در آخر ایام متقی و آغاز ایام مستکفی از آل عباس به آل بویه انتقال یافت. (بیرونی، ۱۳۶۳:ص ۲۰۳)». ابن خلدون نیز معتقد است: «به راستی که اساس خلافت به کلی روی به ویرانی نهاده بود». (ابن خلدون، ۱۳۶۳:ص ۷۰۸) آنچه موجب جسارت دیلمیان در پیشروی به سوی بغداد و تسلط بر خلافت عباسی شد، پایبندی آنان به فرهنگ ایرانی و گرایش به مذهب تشیع بود. موقعیت جغرافیایی سرزمین دیلم، موجب شده بود تا کمتر دست خوش تهاجم بیگانگان و تغییر و تحول سیاسی و فرهنگی قرار گیرد. این وضعیت، آنجا را به پناهگاهی امن برای علویان تحت تعقیب و ناراضیان خلافت عباسی

تبدیل کرد که در دراز مدت سبب گرایش دیلمیان به مذهب تشیع و تضاد آنان با حکام خلافت عباسی گردید (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ص ۲۵)

نقش مذهب تشیع بر هویت سیاسی زنان ایران در دوره آل بویه

تلفیق الگوهای ایرانی - اسلامی (گرایش شیعی)

در هستی‌شناسی زنان ایرانی، انسان برترین آفریده خداوند یا به تعبیر دینکرد، «آدمی شکل گیتوی (=مادی) اورمزد است.» (زمانی، ۱۳۸۶ : ص ۱۲۴) در اسطوره تکوین نظام هستی، اهورامزدا به عنوان مظهر خیر و نیکی مطلق، در ستیز همیشگی با اهریمن قرار دارد. بدین‌روی، انسان به عنوان آفریده برتر اهورامزدا در همین مسیر گام برمی‌دارد و با تجلی مظاهر ارزش‌های اخلاقی در او، الگوی «انسان آرمانی و کامل» تحقق می‌یابد. (رزمجو، ۱۳۶۸ : ص ۳۶-۳۷) در این دیدگاه، جمیع صفاتی که برای یک حاکم بی‌عیب و نقص قابل تصور است در نظر گرفته شده و از آن به نظریه «پادشاه کامل» یا «شاه آرمانی» تعبیر می‌شود .

پس از علوی شدن دیلمیان، آنها تلاش کردند با تلفیق این اندیشه ایران باستان با آموزه‌های اسلامی- شیعی، زمینه‌های بازیابی نهاد شاهی را با همان معنا و مفهوم فراهم کنند. این پیوند و ارتباط از سوی زنان آل‌بویه، هم آگاهانه و در ابعاد وسیع به کار گرفته شد. (بیگدلی و کوهکن، ۱۳۹۴: ص ۷۶) و شهناز دختر عضدالدوله نقطه اوج این روند محسوب می‌شود

لذا آموزه «فره ایزدی» در دوره آل بویه از طریق متون شیعی استمرار می‌یابد (ابن‌بلخی، ۱۳۶۳: ص ۱) آنها به پشتوانه آموزه‌های ایرانی خود در دیلم، که به رغم گذشت سه قرن همچنان پایدار بود، حکومت خویش را نوعی موهبت الهی دانسته، خود را حامیان مردم جامعه معرفی می‌کردند. البته پیش از این نیز علویان قدرت امام را برگرفته از

خدای متعال می‌دانستند و برای امام حق الهی حاکمیت قایل بودند (طقوش، ۱۳۸۵: ص ۲۵-
(۲۶)

بویه‌یان از هر دو پایگاه (ایران‌شهری و تشیع) برای مشروعیت و توجیه حاکمیت خود در جامعه سود بردند، (لمبتون، ۱۳۸۹: ص ۳۷) بنابراین، آل بویه با تلفیق این دو نظرگاه، سعی در کسب فره و مشروعیت لازم برای اعمال حاکمیت بر جامعه‌ای داشت که اسلام و تشکیلات سیاسی برخاسته از آن را پذیرفته بود. لذا این دیدگاه در اندیشه سیاسی زنان ایران جای گرفت.

اندیشه امام غائب

آل بویه در آغاز شیعه زیدی بودند، اما هنگامی که به حکومت رسیدند به شیعه دوازده امامی گرایش یافتند. چون طبق آموزه‌های مذهب زیدی باید امامی زیدی از نسل پیامبر را برای اطاعت کامل از او به امامت می‌رسانند؛ اما آل بویه از نسل پیامبر مسلمانان نبودند بنابراین آنان بعد از رسیدن به حکومت به شیعه دوازده امامی به اندیشه امام غائب مایل شدند. زیرا ایده یک امام غائب از نظر سیاسی برای بویان مطلوبتر بود. لذا این الگو امام غائب وارد اندیشه سیاسی زنان ایران گردید. (بیگدلی و کوهکن، ۱۳۹۴: ص ۷۶)

البته خود مساله غیبت امام دوازدهم هم تقریباً در اوایل حکومت آل بویه (۳۲۰-۴۴۷) رخ داده بود (ابن کثیر، ۱۳۷۱: ص ۳۵۱). احترام و اکرام علمای شیعه همچون شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱) و دعوت از او برای مهاجرت به ری (فقیهی، ۱۳۷۸: ص ۲۷۸) و ترتیب دادن مجالس بحث و مناظره با علمای سایر مذاهب و اکثراً در اثبات مذهب شیعه ی امامیه و مسأله ی غیبت امام دوازدهم، یکی از گویاترین شواهد اندیشه غیبت زنان است. شیخ صدوق شرح مناظره اش را در کمال الدین و تمام النعمه و داستان سفر خود به

مشهدالرضا (ع) و درخواست دعای رکن الدوله را در عیون اخبار الرضا آورده است (بیگدلی و کوهکن، ۱۳۹۴: ص ۸۹)

اعمال اندیشه و کردار پیغمبر اکرم (ص) و ائمه در زنان

یکی از تاثیراتی که مذهب تشیع بر اندیشه سیاسی زنان ایرانی دوره ال بویه داشت، اعمال اندیشه و رفتار پیامبر و ائمه مخصوصا امام علی (ع) در اندیشه و کردار زنان بود. امام علی خود رویه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را معمول می داشت و به واسطه سیرت عادله خود، قیافه جذاب سیرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به مردم، خاصه به زنان نشان داد، زندگی ساده امام علی (ع) در برابر شوکت کسرابی و قیصری معاویه ذهن زنان ایرانی را به خود وا می داشت. این رفتار امام که وی هرگز دوستان و خویشاوندان و خاندان خود را بر دیگران مقدم نداشت و توانگری را به گدایی و نیرومندی را به ناتوانی ترجیح نداد الگوی زنان ایرانی دوره ال بویه گشت. لذا ذخایر گرانبهایی از معارف الهیه و علوم حقه اسلامی را به زنان ایرانی رسید. در مجموع رونق احترام به علی و آتش روز افزون گشت و تا جایی بود که در قرن چهارم اهل سنت از ایشان با احترام یاد می کردند (متز، ۱۳۶۴: ۱ / ۸۲).. برخی از زنان اهل سنت به زیارت مشاهد ائمه می رفته اند. (عرب تیموری، ۱۳۹۵: ص ۱۲۶)

نقابت علویان و علاقه زنان به زیارات مرآه ائمه

نقیب و نقابت از نقب گرفته شده است. نقب به معنای شکافتن، سوراخ کردن، راه گشودن و همچنین کاویدن عمق چیزها و گردش و جست و جوست. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۵: ص ۶۵) نقیب به کسی می گفتند که پیوسته از اوضاع زندگی بستگان یا طایفه خود باخبر باشد و خبر بگیرد. (زمخشری، بیتا، ج ۱: ص ۶۱۵) در دوره آل بویه، نقابت نهادی برای رسیدگی و سرپرستی امور سادات و یتیمان و تأمین نیازهای مالی و نیز حفظ احترام

آنان بود. این نهاد همچنین اداره موقوفات و داوری در میان سادات را در دست داشت. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۸:ص ۶۶)

در این دوره خلفای عباسی کسانی را به نام نقیب انتخاب می کردند تا به امور علویان رسیدگی کنند. بدین گونه یک نقیب برای آل علی(ع) انتخاب و به ابران فرستاده می شد. علت این امر طبق نوشته ماوردی این بود که کسی که از لحاظ نسب با اشراف علوی و عباسی برابر نیست و بر آنها ولایت و تصدی پیدا نکند(ماوردی، ۱۳۷۵:ص ۱۲۲) از آغاز پیدایش نهاد نقابت بویژه در زمان آل بویه اغلب از این کلمه برای اشراف علوی استفاده می شد و در آن زمان کسانی بودند که برای خود نسب می ساختند و خود را از فرزندان امام حسن و امام حسین می دانستند وظیفه نقیب این بود که در صحت نسب اینگونه افراد دقت نماید و مواظب باشد فرد غیر شریف خود را در زمره اشراف قرار ندهد. نقبا از بین سادات عالیقدر و صاحب نفوذ انتخاب می شد (کریمی، ۱۳۹۰:ص ۱۳۷)

در سال ۳۴۹ بهاءالدوله ابو احمد موسوی(پدر سید مرتضی و رضی) را به نقابت علویان ایران منصوب کرد او را به طاهر ذوالمنقب ملقب نمود و در سال ۳۶۹ ه ق نقابت علویان را به شریف رضی تفویض نمود(مفهوم شریف آن زمان همچون کلمه سید در ایران و عراق این زمان است)(فقیهی، ۱۳۷۸:ص ۶۷-۶۸)

لذا شکل گیری و گسترش نهاد نقابت در نیمه سده سوم ه.ق، افزایش مهاجرت ها و به تبع آن اخبار مربوط به سادات و علویان در منابع و شکل گیری علم انساب در سده های سوم و چهارم همگی بیانگر آن است که پراکندگی جغرافیایی خاندان های منسوب به پیامبر تا دوره آل بویه و به بخصوص پس از ضعف دستگاه خلافت، از اهمیت و گسترش قابل توجهی برخوردار شده اند و آنان برای عموم مردان و زنان به عنوان افرادی مقدس به شمار می رفته اند که عمدتاً دارای جایگاه و نفوذ اجتماعی و گاه سیاسی و اقتصادی بالایی در شهرها و آبادیهای سراسر جهان اسلام آن روزگار بوده اند. شاید یکی از مهمترین

مواردی که بتوان از آن در تلاش یک حکومت در راه مشروعیت جویی با استفاده از جایگاه سادات مثال زد، ماجرای ولایتعهدی و فراخواندن حضرت رضا(ع) است.

رونق زیارت مراقد ائمه تا پیش از دوره آل بویه را از رویدادهایی مانند برخورد متوکل عباسی با علویان و تخریب مضجع امام حسین(طبری، ۱۳۷۵:ص ۳/ ۱۴۰۷) و همچنین در تلاش حنبلیان برای جلوگیری شیعیان از زیارت می توان فهمید. حادثه اخیر درست مصادف با روی کار آمدن بوییان(۳۲۲-۳۲۱ه.ق) روی داد و راضی، خلیفه عباسی(خلافت ۳۲۱-۳۲۹ ه.ق)، را در سال ۳۲۳ه.ق وادار به صدور بیانیه ای کرد که خود گویای موضوع ماست. در این بیانیه شدیدالحن به رونق زیارتگاه های شیعیان به ویژه عتبات عالیات و اهمیت داشتن نسبت سببی یا نسبی به پیامبر و مورد اتفاق بودن اصل زیارت، حتی از دیدگاه تندروترین فرقه ها اشاره شده است. (مسکویه، ۱۳۷۶:ص ۵/ ۶-۲۵).

ابوبکر محمد بن مؤمل گوید: با پیشوای اهل حدیث، ابوبکر بن خزیمه (د ۳۱۱ ه.ق) و ابوعلی ثقفی (د ۳۲۸ ه.ق) و گروهی از استادان ما برای زیارت مرقد علی بن موسی الرضا به طوس رفتیم در حالی که آنان بسیار به زیارت مرقد ایشان می رفتند. در آنجا تواضع و احترام و تعظیم و تضرع ابن خزیمه نسبت به آن بقعه همه ما را شگفت زده کرد» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۳۹/۷). همچنین ابوحاتم محمد بن حبان بستی (د ۳۵۴ ه.ق) محدث و فقیه شافعی در «کتاب الثقات» (۱۳۹۳:ص ۸/ ۴۵۷-۴۵۶) آورده است: «مردم به زیارت قبر آن [علی بن موسی الرضا] می روند، من فراوان آن را زیارت کرده‌ام. وقتی در طوس بودم هر مشکلی که بر من وارد می شد به زیارت مرقد علی بن موسی الرضا - که درود خدا بر او و جدش باد - می رفتم و از خداوند حل آن را می خواستم و خداوند نیز دعایم را استجابت می کرد و آن سختی از من برطرف می شد، این کار را به دفعات تجربه کردم و جواب گرفتم. خداوند ما را با محبت رسول خدا(ص) و اهل بیتش بمیراند». این

توجهات سبب رشد چشمگیر جایگاه علویان و سادات و مشاهد امامزادگان و ائمه در زنان ایرانی گردید.

تا پیش از آل بویه زیارت و فرهنگ آن نزد زنان ایرانی تا حد زیادی گسترش یافته بود اما عصر آل بویه به دلیل مذهب تشیع آنان نقطه عطفی در این زمینه ایجاد کرد زیرا آنان در هر سه امیر نشین خود توجهی ویژه به این مساله نشان دادند. در دوره آنان زیارت رونق بیشتری گرفت و برگزاری مراسمی مانند عزاداری عاشورا و عید غدیر، دفن در کنار ائمه حالتی رسمی به خود گرفت. مشاهد ائمه و برخی امامزادگان و مکان های مقدس بازسازی شد. لذا عملکرد آل بویه در زمینه منصب نقابت و به طور کلی در گرایش به امامیان، اگر هم سیاستی به حساب آید، اقدامی بود که در سازمان بندی سیاسی زنان شیعه بسیار اثر داشت (میرزایی، ۱۳۹۲:ص ۱۲۴)

فرمانروایی زنان ایرانی - شیعی

یکی از آثار سیاسی ورود مذهب تشیع به ایران در دوره آل بویه، نقش سیاسی زنان ایرانی در قالب فرمانروایان ایرانی - شیعی است. تا قبل از دوره آل بویه هیچ زنی ایرانی با مذهب شیعه به مقام فرمانروایی نرسیده بود اما در دوره آل بویه این موضوع محقق شد. سیده خاتون، نخستین زن فرمانروای شیعه است. سیده شیرین تنها زنی بود که در قرن ۴ آل بویه توانست به مدد درایت و شهامت خود و عضویت در خانواده حکومتی مدتی زمام حکومت شیعی خود را به دست گیرد. فخرالدوله پس از فوت وزیر شیعی، صاحب بن عباد در سال ۳۸۵ قمری، از همسرش سیده شیرین دختر رستم بن شروین (حموی، ۱۳۰۷:ص ۲۹۴) که یه سیده خاتون شهرت داشت، به عنوان مشاور خود استفاده می کرد. سیده خاتون بر امور دربار و دیوان نظارت می کرد و در واقع فخرالدوله پس از صاحب

بن عباد در حکومت به همسرش تکیه داشت و هنگام مرگ فخرالدوله کلید خزاین دربار نزد سیده خاتون بود. (ابن اثیر، ۱۳۸۳:ص ۱۳۲).

پس از مرگ فخرالدوله در سال ۳۸۷ ق، پسر خردسالش، ابوطالب رستم که بعدها از سوی قادر، خلیفه عباسی به مجدالدوله ملقب شد، (ابن کثیر، ۱۳۷۱:ص ۳۷۱) جانشین پدر گردید. ه علت سن کم مجدالدوله، مادرش سیده خاتون (۴۱۹-۳۸۷) زمام امور را به دست گرفت. او بر تمامی امور حکومتی مسلط بود و فرامین با صلاحدید او صادر می شد. سیده خاتون زنی عاقله و با تدبیر بود و از عهده کار ملک به خوبی بر می آمد. (ابن اثیر، ۱۳۸۳:ص ۳۷۱). تیلط او بر دربار چنان بود که هیچ یک از ارکان دولت جرأت نداشتند بدون اجازه او در کاری مداخله کنند. (مستوفی، ۱۳۶۴:ص ۴۱۹).

پس از به قدرت رسیدن مجدالدوله (۳۳۸-۴۲۰) نیز سیده خاتون همچنان قدت خود را حفظ کرد و حاکمان و وزرای شیعی را در صورت صلاحدید عزل و نصب می کرد. هنگامی که مجدالدوله به تحریک وزیرش، ابوعلی بن علی بن قاسم به مخالفت و منازعه با مادرش برخاست و این وزیر سایر امرا را نیز بر ضد سیده خاتون برانگیخت، سیده خاتون ناچار ری را ترک کرد و به قلعه ی طبرک رفت. اما به کمک بدر بن حسنویه در برابر فرزند و وزیرش ایستاد و آنان را مغلوب و زندانی کرد. شمس الدوله را جایگزین مجدالدوله کرد و پس از مدتی او را به خاطر عدم فرمانبرداری، عزل و مجددا مجدالدوله را به حکومت نشانده (ابن اثیر، ۱۳۸۳:ص ۱۳۲).. او همچنین ابوالعباس ضبی وزیر دیگر مجدالدوله را به علت مخالفت با خود به اتهام مسموم کردن برادرش برکنار کرد. (ابن همان: ۲۰۹)

شاید مهمترین و مؤثرترین تدبیری که سیده خاتون اندیشید و بدان وسیله خود و مردمش را از نابودی و شکستی حتمی رهانید، پاسخ زیرکانه و عاقلانه ی او به سلطان محمود غزنوی (م. ۴۲۱) باشد (فاضل، ۱۳۸۹:ص ۶۷)

سیده ملک خاتون حاکم ری بود که سلطان محمود غزنوی در نامه ای به او نوشت: «باید که خطبه بر من کنی و زر به نام من زنی و خراج بپذیری و اگر نه من بیایم و ری بستانم تو را نیست گردانم...» سلطان محمود که در آن روزها فتوحات بسیاری در خراسان و هند و غزنه داشت، توسعه طلبی هایش را تا ری هم ادامه داده و از سیده خاتون خواسته بود تا مطیع او شود اما ملک خاتون که با چنگ و دندان حکومتش را حفظ کرده بود، در جواب سلطان نوشت: "تا شوی من زنده بود مرا اندیشه آن بود که تو را مگر این راه بود و قصد ری کنی. چون وی فرمان یافت و شغل به من افتاد، مرا این اندیشه از دل برخاست، گفتم: محمود پادشاهی عاقل است، داند که چون او پادشاهی را به جنگ زنی نباید آمدن. اکنون اگر بیایی خدای آگاه است که من نخواهم گریخت و جنگ را ایستاده‌ام، از آنچه در دو بیرون نباشد: از دو لشکر یکی شکسته شود؛ اگر من تو را بشکنم، به همه عالم نویسم که سلطان محمود را بشکستم که صد پادشاه را شکسته بود، مرا هم فتح‌نامه بود و رسد و هم شعر فتح [و اگر تو مرا بشکنی چه توانی نوشت؟ گویی زنی را بشکستم؟ تو را نه فتح‌نامه رسد و نه شعر فتح] که شکستن زنی بس فخر نباشد؛ گویند که سلطان محمود زنی را بشکست" (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ص ۳۶۹). می دانند.

(چو از راستی بگذری خم بود چه مردی بود کز زنی کم بود)

جواب قاطعانه ای که سیده ملک خاتون به سلطان محمود داد، او را وادار کرد تا از فکر درگیری با یک زن شیعی که در نبرد با او شکست و پیروزی نتیجه ای جز رسوایی و سرزنش نداشت، صرف نظر کند

دولتشاه سمرقندی، سخن سلطان محمود را پس از شنیدن پاسخ سیده خاتون و آفرین گفتن بر عقل و کیاست او این گونه نوشته است: ما میخواستیم شعبده ای بازیم اما این زن را خرد و پیش بینی زیاده از مردان است. (سمرقندی، ۱۳۶۶: ص ۴۲۲). تا سپیده بود ملک

مجدالدوله بر رونق بود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ص ۴۲۲) ابن اثیر سال وفات او را ۴۱۹ ه. و مستوفی ۴۱۵ ق) می‌دانند.

فخرالدوله در سال ۳۸۷ق در قلعه طبرک ری درگذشت و چون در زمان فوت فرزندش مجدالدوله کم سن و سال بود، حکومت عملاً به دست شیرین افتاد تا هم خزانه ارزشمندش از دست مدعیان در امان بماند و هم ری آرامش را از دست ندهد. سیده ملک خاتون بلافاصله بعد از مرگ همسرش درهای قلعه را بست و از ورود و خروج جلوگیری کرد، بعد از آن، از امام جماعت قلعه خواست تا آداب تدفین را انجام دهد و زمانی که تمام کنترل را در دست داشت، نمایندگانی را به شهر فرستاد تا خبر فوت فخرالدوله را اعلام کنند. او مجدالدوله را جانشین شوهرش کرد و پسر دیگرش شمس‌الدوله، را به حکومت همدان فرستاد و حکومت اصفهان را به پسر دیگرش عین‌الدوله، که هفت ساله بود، سپرد. به همین علت، سیده خاتون از آن پس «ام‌الملوک» لقب گرفت. در کتاب تاریخ گزیده درباره این خاتون چنین آمده است: «منکوحه‌اش سیده، بر ملک مستولی شد. هیچکس را از ارکان دولت زهره نبود که بی‌اذن او در کم و بیش کاری مدخل کردن تا به مرتبه‌ای که کفن فخرالدوله قرض کردند و دست به خزانه نیارستند بردن» (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ص ۳۶۹). و مستوفی ۴۱۵ ق می‌دانند.

یکی از مورخان به نام ابن اثیر درباره او می‌نویسد: «مادر مجدالدوله همچنان فرمان می‌راند و نامه شهریاران بدو می‌خواندند و او بدیشان پاسخ می‌فرستاد.» نقش فعال او در مسائل سیاسی و نظامی دوره مجدالدوله تا آنجا پیش رفت که وقتی پسرش، مجدالدوله، به کوشش وزیرش به فکر گرفتن حکومت از مادرش افتاد، سیده خاتون این شورش را با عزل و دستگیری پسرش مجدالدوله به سود خود پایان داد و پسر دیگرش، شمس‌الدوله را مدتی به جای مجدالدوله به حکومت نشانده که البته بعد از مدتی دوباره مجدالدوله را بر

سر کار آورد. (مستوفی، ۱۳۶۴: ص ۴۲۲).

دیدار ملک خاتون با ابوعلی سینا هم یکی دیگر از نقاط عطف زندگی او بود. ابوعلی سینا که نزد سامانیان به مطالعه و تحقیق مشغول بود، با قدرت‌یابی محمود غزنوی و مخالفت او با شیعیان، مجبور شد از خراسان خارج شود. او در فرار از سپاهیان غزنوی به ری رفت و خدمت سیده خاتون و پسرش مجدالدوله که شیعه بودند رسید. آنها به ابن سینا امنیت و اعتباری دادند تا بتواند مطالعات خود را دنبال کند. کتابخانه مجدالدوله چنان غنی بود که ابن سینا، مدت‌ها در دربار ری و کنار این مادر و پسر اقامت کرد و از کتاب‌هایش، که بیشتر در علم نجوم و حکمت بود، استفاده کرد. سیده ملکه خاتون در قلمرو خود عدالت را اجرا می‌کرد و چند روز در هفته به امور مردم شخصاً رسیدگی می‌کرد و تمام اداره امور لشکری و کشوری را خود با مشاوره انجام می‌داد. (بی‌نا، ۱۳۸۶: ص ۷۶) حمدالله مستوفی در کتابش، حکومتداری او را چنین توصیف می‌کند: «روز بار در پردهٔ رقیق نشستی و با وزیر و عارض سخن گفتی، سپاهی و رعیت را در حد هر یک محافظت نمودی و چون رسل از اطراف آمدندی، بی تلقین، جواب بسزا گفتی». و در ادامه می‌نویسد: "تا او در حیات بود، ملک مجدالدوله به رونق بود". (مستوفی، ۱۳۶۴: ص ۳۶۵)

سیده خاتون در دوران حاکمیتش، تلاش می‌کرد تا از هرگونه جنگ و درگیری با سایر حکمرانان پرهیز کرده و هنگام بروز اختلاف، با مذاکره و گفت و گو مشکلات را حل کند. او با خلیفه عباسی روابط مسالمت آمیز داشت و سعی می‌نمود تا با تابعیت از او و حفظ ظاهر، به حکومت خود مشروعیت بخشیده و از هجوم حاکمان سنی مذهب اطراف در امان بماند. اعطای لقب کهف الامه و مجدالدوله و ارسال منشور حکومت ری برای او از سوی خلیفه عباسی نشان از همین سیاست سیده خاتون دارد. (ابن کثیر، ۱۳۷۱: ص ۳۷۱).

با نگاهی به اوضاع شیعیان در قرن چهارم و رواج تشیع در اکثر مناطق اسلامی مانند ایران و عراق و حجاز و شام و مصر و مغرب که تاریخ‌نگاران از جمله ذهبی از آن خبر می‌دهند، می‌توان گفت که سیده خاتون با این پاسخ و تدبیر خود مانع فروپاشی حکومت شیعی آل بویه حاکم بر قسمت بزرگی از قلمرو شیعی آن زمان که نفوذ بسیاری بر خلیفه داشتند، گشته و شیعیان بسیاری را از گرفتار شدن تحت سلطه حکومتی ضد شیعی که در پی تقویت و احیاء خلافت سنی عباسیان بود، رهانید.

در منابع اشاره شده است که یک بانوی شیرازی (که نام وی مشخص نیست) در بغداد کرّ و فرّی یافته بود که در امر سیاست دخالت می‌کرد و او نیز ثروت بسیار فراهم آورده بود. این بانوی شیرازی که شخصیتی فرهیخته بود، زبان عربی را با فصاحت تکلم می‌کرد و توانسته بود در جامعه اشرفی بغداد راه یابد و در نتیجه منتقل‌کننده سنت‌های ایرانی در آن جامعه باشد. (بی‌نا، ۱۳۸۶: ص ۷۶)

ازدواج سیاسی زنان ایرانی - شیعی با خلفای سنی مذهب عباسی

گاهی زنان ایرانی نقش بسیار مؤثری در به قدرت رسیدن و نیز تقویت پایه‌های حکومت شیعی آل بویه داشتند. در سال ۳۶۹هـ عضدالدوله مهم‌ترین فرمانروای بویی، دختر بزرگ خود بنام شاهناز (شاه‌زنان) را به ازدواج خلیفه وقت الطائع درآورد. کابین وی «صد هزار دینار» معین گردید و جشن عروسی مفصلی ترتیب داده شد. هدف از این ازدواج تولّد پسری از نسل عباسی بود تا خلیفه گردد و بدین ترتیب خلافت را به آل‌بویه شیعی منتقل شود. الطائع که منظور عضدالدوله را دریافت، با وجود علاقه فراوان به دختر، به او نزدیک نشد تا فرزندی در وجود نیاید. (بی‌نا، ۱۳۸۶: ص ۵۶)

تمام ازدواج‌های اعضای خانواده‌ی بویی، تحت نظارت امرای بویی و با انگیزه‌های مشخص سیاسی صورت می‌گرفت. امرای بویی به شکل هوشمندانه‌ای از این ازدواج‌ها

برای تقویت و گسترش قدرت سیاسی تشیع و خاندان آل بویه بهره برد. در زمان برخی از امرای بویهی نیز ازدواج های سیاسی با انگیزه های مختلف از جمله به دست آوردن متحد، استحکام روابط درون خاندانی و دفع شورش های احتمالی انجام شد. (نجفی بزرگر، ۱۳۹۳: ص ۱۳۶) شد از جمله :

ازدواج دختر بهاء الدوله با خلیفه عباسی ، پس از فوت الطائع که پنج سال زودتر از فقدان همسرش اتفاق افتاده بود، خلیفه القادر (۴۲۳-۳۸۱هـ) دختر بهاءالدوله را به همسری گرفت و «مبلغ صد هزار دینار صداق او کرد». این مهریه های سنگین، از سوئی اهمیت و اعتبار آل بویه را نشان می دهد؛ و از سوی دیگر ثروتی که از طریق دختران آنان در بغداد گرد می آمد. (فاضل ، ۱۳۸۹ : ص ۷۶)

نقش مذهب تشیع بر هویت اجتماعی زنان ایران در دوره آل بویه

آداب و آیین ملی مذهبی زنان ایران

عید غدیر از آیین های مذهبی است که سازنده تاریخ اجتماعی شیعیان به شمار آمده و به رمز و شعار تشیع نیز تبدیل شده است. شیعیان و بزرگان آنان از ابتدا به برگزاری عید غدیر به عنوان «عید الله الأكبر» توجه و عنایت فراوان داشته اند (صدوق، ۱۳۹۸: ۹۰/۲). در دوره آل بویه هم به سال ۳۵۱ هـ.ق. (ابن خلدون، بی تا: ۴۵۲/۳) یا ۳۵۲ هـ.ق. به فرمان احمد معزالدوله دیلمی این رسم در آیین زنان ایرانی وارد گشت (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ص ۳۱۶/۷)

عزاداری دهه محرم و عاشورا از دیگر آیین های مذهبی است که در شکل گیری تاریخ اجتماعی زنان ایران ، بسیار تأثیرگذار بوده است، تا جایی که برگزاری این آیین به یکی از شعائر ارزشمند مکتب تشیع تبدیل شده است. (فقیهی، ۱۳۷۸: ص ۴۶۶ و ۴۶۷). در روز عاشورای سال ۳۵۲ هـ.ق. معزالدوله به اهل بغداد دستور داد ماتم برپا دارند و نوحه گری کنند. مغازه ها را بسته و در جلو آنها پلاس بیاویزند. طبّاخان را از پختن طعام منع کرد.

زنان مویه‌کنان بیرون آمدند. گویند این نخستین روزی بود که بر شهدای کربلا سوگواری شد (یافتی، ۱۳۹۰: ص ۲۴۶/۳-۲۴۷). رسم بستن مغازه‌ها و تعطیلی بازار در عزای امام حسین علیه السلام هم از همین زمان در اندیشه زنان ایرانی شکل گرفت

دین و باورهای مذهبی

از مؤلفه‌های مهم و سازنده عناصر فرهنگ تشیع که وارد اندیشه زنان ایرانی دوره آل بویه، دین اسلام و باورهای شیعی آنها بود. شیعه، یکی از کارکردهای دین را همبستگی اجتماعی و دور نگه داشتن جامعه از اختلاف می‌داند و ضمن اشاره به آیات قرآن می‌فرماید: «وَأَنَّ صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ» (انعام: ۱۵۳). نیز تمسک به دین را عامل اصلی وحدت و انسجام اجتماعی معرفی می‌کند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ص ۱۰۳). لذا با پیدایش مذهب تشیع زنان توانستند بر اساس باورها و عقاید مذهب تشیع به نوعی از همبستگی اجتماعی و آرمان مشترک دست یازند

نظر به همین نقش و کارکرد باورهای شیعی در ایجاد وفاق اجتماعی بود که زنان، بر هویت‌های مذهبی، چون سیادت و تشیع خود تأکید می‌کردند مذهب تشیع از این دوره بر تمام شئون زندگی زنان سایه انداخت. مراسم، آداب دینی و مذهبی و رفتارهای فردی و اجتماعی زنان به شدت تحت تأثیر آموزه‌های شیعی قرار گرفت. (شمس، بی تا: ص ۵۵)

نقش زنان شیعه در دوره آل بویه در انتقال فرهنگ دینی به جامعه

زنان ایران نقشی مهم در ثبت و ضبط میراث علمی و عملی اهل بیت (ع) و انتقال نمادهای فرهنگ دینی به جامعه داشتند؛ از این نمونه می‌توان به مشارکت زنان در نشر دعاها و زیارات منسوب به اهل بیت (ع) اشاره کرد. از آنجا که اینگونه آثار نقشی مهم در اصلاح فردی و سلامت معنوی جامعه داشت؛ حضور زنان در این زمینه بیشتر قابل توجه

است. از آن جمله دعایی است که شیخ صدوق با واسطه از حکیمه دختر امام جواد (ع) نقل می کند. جناب حکیمه این دعا را از وجود حضرت مهدی (ع) روایت کرده و علامه مجلسی در « بحارالانوار » و فتال در « روضه الواعظین » آورده اند- (al) . qayyumi. ۱۹۹۵نمونه دیگر ، اهتمام دختر سیدمرتضی در انتقال بخشی از سخنان امام

علی (ع) است که پیش از این به آن اشاره شد (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۴:ص ۸۸)

در دوره آل بویه بیشترین ابزار مورد استفاده زنان ایران در این زمینه شامل احتجاج، خطابه، مرثیه و شعر می شد که از قابلیت انتقال و اثرگذاری بیشتری برخوردار بود. بدین ترتیب ضمن تبیین مقام الهی امام و دفاع از حقانیت آنان، فرصتی برای انتقال علوم اهل بیت (ع) و هدایت گری جامعه فراهم می آمد و در چارچوب مبارزات فرهنگی به افشای سیاست های ظلمه و مقابله با جریان های انحرافی می پرداختند. از نمونه های این ادعا، اخبار و گزارش های منقول از حکیمه دختر امام جواد (ع) است. روایات متعددی از حکیمه ، درباره سیره و شخصیت امامان و حل و فصل مسائل امامت و مهدویت نقل شده که بیانگر اهمیت و جایگاه ایشان در ارشاد و هدایت شیعیان و نزد محدثان و رجال شیعی است (همان: ۹۰)

اگرچه مکاشفات ، مرادفات و مراجعات بخشی از نیازهای عقیدتی و عمومی جامعه شیعی را تأمین می کرد، اما به واقع عصر غیبت و عدم دسترسی مستقیم به معصوم ؛ چالش هایی عمده را برای شیعیان فراهم می آورد و در این میان بزرگان امامیه بر آن بودند تا این مسئله را با استناد به ادله عقلی و نصوص دینی حل و فصل کنند در میان رویکردهای گوناگونی که نسبت به این مسئله پدید آمد؛ راهبرد بزرگان و رجال امامیه آن بود تا ضمن تألیف ، پژوهش و نقل اخبار و روایات ؛ پاسخی مناسب برای پیشامدهای اجتماعی و مسائل دیگر ارائه دهند. باید گفت استخراج مبانی کاربردی به وسیله یک مجتهد جامع الشرایط، برای حل و فصل امور و عبور از مسائل عصر غیبت؛ از ضروریات مبتنی بر

آموزه‌های دینی و استدلال‌های فقهی است. استنباط‌های فقهی - اصولی دانشمندان امامیه در آغازین سده غیبت در این رابطه از مهمترین دستاوردهای عقیدتی شیعه بشمار می‌رفت. (همان: ۹۱)

زنان شیعی جایگاهی مهم و در خور توجه در این رویکرد داشتند و مشارکت فعال آنان در عرصه‌های اجتماعی بیانگر گرایش به رویکرد دوم است. از سویی اهتمام زنان شیعی برای پیوند با برخی از دانشمندان امامیه که دارای گرایش اصولی و اجتهادی بودند؛ حضور فعال در عرصه مبارزات فرهنگی و تلاش برای حراست از مظاهر فرهنگی و تمدنی شیعی بیانگر سطح رشد معرفت اجتماعی شیعیان و مواجهه صحیح با مقوله غیبت و انتظار می‌باشد. (توسلی، ۱۳۹۶: ص ۸)

این مبحث در دو قسم قرار می‌گیرد نخست رویارویی زنان شیعی با مسائل مهدویت است که مرتبط با محورهای تلاش زنان برای فهم مسائل و اثبات امامت امام مهدی (ع) و ارتباط با ایشان باز می‌گردد و مبحث دوم که به نقش هدایتگری و تربیتی زنان در حل و فصل مسائل عقیدتی و اجتماعی شیعیان و مراجعات آنان به زنان فرهیخته شیعی مربوط می‌شود. این دو در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. (مجلسی، ۱۳۹۸: ص ۹۸)

تلاش زنان شیعی برای فهم مسائل مهدویت و امامت و انتقال آن به فهم زنان ایران همانطور که ذکر شد، غیبت امام زمان در اوایل دروه آل بویه رخ داد. در این زمان با وجود اخبار پیشوایان معصوم و تلاش‌های عسکریین (ع) برای تبیین امامت امام مهدی (ع)؛ شیعیان همچنان، طالب ارتباط با امام و درک مستقیم ایشان بودند.

اخبار و روایات موجود؛ بیانگر تشریف زنان شیعی به محضر حضرت ولی عصر (ع) و توجهاتی بوده که از ناحیه مقدسه به ایشان می‌شد. از آن جمله می‌توان به ارتباط حکیمه خاتون با آن حضرت اشاره کرد. وی به قولی از جانب حضرت ولی عصر (ع) «منصب

سفارت داشت و عرایض مردم را به آن حضرت و توقعیات شریفه را که از آن ناحیه مقدسه صادر می شد به مردم می رساند» (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۴:ص ۵۴)

نمونه دیگر خوابی است که برای زنی حاصل شد و در اخبار مهدویت ثبت گردیده است، همچنین تنی چند از زنان، با نواب خاصه و پس از آن بزرگان امامیه ارتباط مستقیم داشتند و از آنها کسب فیض می کردند. (سلطانی احمدی و سوسن فخرایی، ۱۳۹۱:ص ۳۴۲)

برخی دیگر از راه مکاتبه و ارتباط با وکلای امام، پاسخ پرسش‌ها و مسائل خود را دریافت می کردند. ابن طاووس می نویسد؛ زنی از اهالی دینور (نزدیک مازندران امروزی)، مالی را به احمد بن ابی روح داد تا آن را به امام مهدی (ع) تحویل دهد. ابن ابی روح که به نظر می رسد یکی از وکلای عسکرین ب(ع) وده، پس از شهادت امام یازدهم(ع) همزمان با آشوب جعفر کذاب وارد سامرا شد و امانتی آن زن را به دست امام رسانید و در ضمن، موفق گردید ادعای باطل جعفر را افشا نماید. (موسی پور، ۱۳۸۶:ص ۱۴۱)

گزارش های دیگری نیز وجود دارد که از نقش نهاد وکالت در ارشاد و هدایت مردم خبر می دهد. مؤلف کتاب «صراط المستقیم» از زنی به نام عاتکه نام می برد که مالی را از راه وکلا به امام رسانده و به دستور ایشان، صرف امور مستمندان و شیعیان شده است. از دیگر مصادیق این ادعا، خبری است که درباره ام کلثوم، را توثیق نموده اند. (همان: ۱۴۹)

این بانوی علوی نقش مهمی در ارشاد و هدایت مردم، به ویژه در آغاز امامت عصر(ع) برعهده داشت. علاوه بر این با استفاده از ادله قرآنی و روایی به پرسش هایی در باب دلایل امامت و علت غیبت آن حضرت که موسی بن محمد، از نوادگان امام هفتم (ع) و طهوی، یکی از یاران امام عسکری(ع) پاسخ گروهی از علویان که خواستار شناخت بیشتر حضرت مهدی (ع) بودند؛ ارشاد نمود(توسلی، ۱۳۹۶:ص ۸)

برخی از آثار و اخبار منسوب به جناب حکیمه جواییه ها، احتجاجات و اعتقادیه های شیعی است که محور اصلی آن مسئله مهدویت می باشد. (همان: ۵۶) شیخ صدوق به نقل از اسناد خود نقل می کند؛ پس از رحلت امام عسکری (ع) محمد بن عبدالله طهوی نزد حکیمه رفت و در خصوص « حیرت مردم » و « علت تداوم امامت در نسل امام حسین (ع) » سؤالاتی پرسید. ایشان در پاسخ گفت؛ « خدا زمین را هیچگاه از حجت خدا خالی نمی کند. » و افزود امامت در فرزندان حسین (ع) است بدون آنکه یکی از این دو امام حسن (ع) یا امام حسین بر دیگری برتری داشته باشد " (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۹۸)

همچنین، شیعیان سؤالاتی که درباره امامت و مهدویت داشتند با یکی از موالی امام رضا (ع) به نام خدیجه مطرح می کردند. صاحب مدینه المعاجز حوادث شگفت‌انگیز پیش آمده در دوران غیبت صغری را از زبان خدیجه مولای امام رضا (ع) روایت می کند (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۴: ص ۵۴)

نتیجه گیری

گسترش تشیع در ایران و تاثیر آن بر هویت زنان ایران، طی فرایندی درازمدت و در نتیجه ی برنامه ها و تبلیغات مستمر و سازمان یافته و حمایت حکام و سلاطین دو سلسله شیعی مذهب آل بویه و صفویه، انجام گرفت. حکومت آل بویه (قرن چهارم ه.ق) ۱۲۶ سال طول کشید. آنها در این مدت نقش بسیار سازنده، عمیق و گسترده ای در هویت سیاسی-اجتماعی زن ایرانی در دوره آل بویه داشتند.

آل بویه به عنوان یک فرمانروای مسلمان شیعه، به دنبال ایجاد تلفیقی از الگوهای ایرانی - اسلامی با گرایش شیعی بودند و در این مسیر، بیشترین کامیابی را در عرصه سیاست داشتند. لذا اولین نقش مذهب تشیع در اندیشه سیاسی زنان ایران نقش بست. لذا ال بویه، تلاش کردند با تلفیق اندیشه ایران باستان با آموزه های اسلامی - شیعی، زمینه های

بازیابی نهاد شاهی را با همان معنا و مفهوم فراهم کنند. لذا آموزه «فره ایزدی» از طریق متون شیعی در زنان ایرانی استمرار یافت. آل بویه حکومت را موهبت الهی دانسته، لذا زنان ایرانی از هر دو پایگاه (ایران شهری و تشیع) برای مشروعیت و توجیه حاکمیت خود در جامعه سود بردند. از سوی دیگر چون دوران آل بویه مصادف بود با غیبت امام دوازدهم، لذا هنگامی که به حکومت رسیدند طبق آیین شیعه دوازده امامی به اندیشه امام غائب مایل شدند. و از این زمان الگو امام غائب وارد اندیشه سیاسی - اجتماعی زنان ایران گردید. ترتیب دادن مجالس بحث و مناظره شیخ صدوق با علمای سایر مذاهب و اکثرا در اثبات مذهب شیعه ی امامیه و مسأله ی غیبت، یکی از گویاترین شواهد اندیشه غیبت است .

پیدایش نهاد نقابت علویان و علاقه زنان به زیارات مراقد ائمه از دیگر پیامدهای سیاسی در اندیشه زنان ایران دوره آل بویه بود. اما مهمترین نقش مذهب تشیع بر زنان ایرانی در دوره آل بویه در فرمانروایی آنان بود بگونه ی که سیده خاتون نخستین زن فرمانروای شیعه در تاریخ ایران ثبت شد

در عرصه اجتماعی هم اولین نقش مذهب تشیع در تحکیم مبانی تشیع زنان ایرانی و گسترش آن تحت رهنمودهای بزرگان شیعه و همچنین آیین و مراسم دینی زنان ایرانی بود، برگزاری رسمی عید غدیر به سال ۳۵۱ به فرمان احمد معزالدوله دیلمی باعث شد عید غدیر در ایران رسمی شود همچنین مراسم چون عزاداری دهه محرم و عاشورا، رسم پیاده روی به کربلا ، نوشتن شعائر شیعی و هجرت، مرجعیت فقها شیعی، رسم گفتن حی علی خیرالعمل در روز عاشورا ، رسم زیارت بارگاه ائمه (چون امام رضا و شاهچراغ، حضرت معصومه و...) ، رسم روضه خوانی در آداب زنان ایرانی وارد گشت

فهرست منابع

- ۱- آزاد، حسن. (۱۳۶۴). گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران (پشت پرده‌های حرم‌سرا)، ارومیه
انتشارات انزلی، چاپ سوم
- ۲- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۸۳). تاریخ کامل، ترجمه حمیدرضا آژیر، تهران: اساطیر.
- ۳- ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفکر .
- ۴- ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ. (۱۳۷۱)، البدایة و النهایه، ط. الثانیه، بیروت: مکتبه المعارف.
- ۵- ابن خلدون، عبدالرحمان. (۱۳۶۴)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، جلد ۲، تهران:
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- ۶- اکبرزاده، نسرین. (۱۳۷۶). گذر از نوجوانی به پیری، تهران: مؤلف.
- ۷- اشرفی، ا. (۱۳۷۷) بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب. بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی
مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی (رپ و هوی متال) ، دانشگاه تربیت مدرس .
- ۸- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۳). آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: امیر کبیر .
- ۹- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). روایت غیرت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان .
- ۱۰- جرجی زیدان. (۱۳۸۴). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام،
تهران: امیرکبیر .
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۰). لغت نامه. زیر نظر دکتر محمد معین، جلد ۲۱ و ۲۲ ، تهران:
انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- رزمجو، حسین. (۱۳۶۸). انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی، تهران:
امیر کبیر .
- ۱۳- زمخشری، محمود بن عمر (بیتا). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی
وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی .
- ۱۴- سلطانی احمدی، مجتبی و فخرایی (۱۳۹۱). سیده سوسنف تاریخ اجتماعی شیعه، تهران:
پیام نور،

- ۱۴- صدوق، محمدبن علی. (۱۳۹۸). من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه‌المدرسین، قم .
- ۱۵- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۷). تاریخ علم سیاست، تهران: سمت.
- ۱۶- فقیهی، علی اصغر. (۱۳۷۸). تاریخ آل بویه، تهران: سمت.
- ۱۷- لمبتون، آن، ک. (۱۳۸۹). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۶). تجارب الامم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: توس .
- ۱۹- موسی پور، ابراهیم. (۱۳۸۶). تاریخ اجتماعی، رویکردی نوین به مطالعات تاریخی، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۳، ش ۶.
- ۲۰- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیر کبیر.
- ۲۱- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۰). بزرگمرد علم و دین علی دوانی، تهران: امیرکبیر..
- ۲۲- معین، محمد. (۱۳۹۲). فرهنگ لغت (۶ جلدی)، تهران: امیرکبیر.
- ۲۳- مجهول المؤلف. (۱۳۱۸). مجهول المؤلف، مجمل التواریخ و القصص، تصحیح ملک الشعراى بهار، به همت محمد رضائی، تهران: چاپخانه خاور.
- ۲۴- متز، آدام. (۱۳۶۴). تاریخ تمدن اسلام در قرن ۴ هجری، تهران: امیرکبیر.
- ۲۵- واژه های مصوب فرهنگستان (۱۳۸۸). تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی .

مقالات

- ۱- اصلانی، مختار. (۱۳۷۸). «دولت‌های شیعی در ایران»، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه
- ۲- بی نا، (۱۳۸۶). «جایگاه زن در دستگاه خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این جایگاه»، فصلنامه هستی، دوره سوم، سال یکم، شماره ۲۸ و ۲۹.
- ۳- برزیان، علی و همتی، رضا. (۱۳۹۴). «هویت دینی در جامعه ایرانی»، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۶، ش ۳.

- ۴- بیگدلی، علی و کوهکن، محمدرضا. (۱۳۹۴). «بازیابی الزامات و کارکردهای نهاد شاهی در عصر عضدالدوله»، دوره ۱۳، ش ۴۹.
- ۵- ترکمنی آذر، پروین. (۱۳۸۵). «آل بویه، عباسیان و تشیع»، تاریخ اسلام، ش ۲۵.
- ۶- حاجیانی، ا. و فولادی، س. (۱۳۸۴). «بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت مذهبی در بین اقوام ایرانی»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره چهارم.
- ۷- عرب تیموری، عبداللطیف. (۱۳۹۵). «زیارت از دیدگاه احادیث اهل سنت»، دوره ۵، ش ۱۶.
- ۸- زمانی، حسین. (۱۳۸۶). «شاه آرمانی در ایران باستان و بایستگی های او»، فصلنامه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، سال دوم، ش هفتم.
- ۹- سعیدیان جزی، مریم. (۱۳۹۴). «تحلیل و بررسی فقهی اجتماعی زنان شیعی و پیامدهای آن در سده نخستین عصر غیبت»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال ۸، شماره ۱.
- ۱۰- شمس، محمد جواد. (بی تا)، «نگاهی به انگیزه های دینی - اجتماعی وقف نامه ها»، فصلنامه فکر و نظر شماره ۱۲ و ۱۳.
- ۱۱- فاضل، محمود. (۱۳۸۹). «مدارس قدیم مشهد (مدرسه نواب)»، مجله وحید، شماره ۱۰۱.
- ۱۲- نجفی برزگر، کریم. (۱۳۹۳). «تحولات ماوراءالنهر در عصر صفوی و زمینه های مهاجرت بابر به هند»، دانشنامه جهان اسلام، سال ۶، ش ۱۹.
- ۱۲- کریمی، علی. (۱۳۹۰). «نقابت و تقیبات در ایران عصر ایلخانی»، فصلنامه پژوهش نامه تاریخ اسلام، ش ۱.
- ۱۳- میرزایی، زهرا. (۱۳۹۲). «عوامل موثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان در دروه آل بویه»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۵، ۱۳۹۴.
- ۱۴- مدرسی طباطبائی، سیدحسین. (۱۳۵۸). «سخنی چند درباره نقابت سادات و برنامه کار نقیب»، نشریه آینده، ش ۱۰، دی و اسفند.